

عناصر واجد تشدید و تخفیف در مجازات‌های

اسلامی*

میثم کهن‌ترابی**

سعید اکبری***

چکیده

آنچه قوانین متخذ از دین را از دیگر قانون‌ها متمایز می‌سازد، انطباق آن با برنامه جامعی است که دین برای سعادت بشر فراهم آورده است. قانون مجازات اسلامی در عین اینکه متمرکز بر جنبه بازدارندگی و با اعمال مجازات همراه است، از این قاعده مستثنی نیست، از این رو اگر قانون مجازات از مبنای، اهداف و بسترهای صحیحی که شارع برای آن در نظر گرفته خارج شود، نه تنها هدف پیش گفته محقق نمی‌شود، بلکه حتی احتمال بروز نتیجه عکس، منتفی نیست. در پژوهش، حاضر عواملی که باید هنگام صدور حکم لحاظ شود مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. بدیهی است که اعمال این عوامل می‌تواند حکم را با تخفیف و یا تشدید همراه سازد. عوامل مسبب تخفیف خود به دو گونه شخصی و نوعی تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی برای تشدید مجازات نیز صادق است. اعمال عوامل تخفیف یا تشدید مجازات، موجب ایصال قانونگذار به اهدافی چون بازدارندگی، تهذیب و تأدیب بزهکاران و فراهم آوردن شرایطی مطلوب برای فرد و جامعه در رسیدن به سعادت می‌شود. پژوهش حاضر با هدف بازشناسی این عناصر براساس منابع معتبر فقهی و با روشی توصیفی-تحلیلی سعی داشته تا عناصر فوق‌الذکر را احصاء و پس از تفکیک، به صورت مدلل معرفی و توصیف نماید.

کلید واژه‌ها: شارع، قانون، مجازات، تشدید، تخفیف، اسلام.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۳۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۱۸.

** استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه بزرگمهر قاننات / kohantorabi@buqaen.ac.ir

*** دانش‌آموخته کارشناسی فقه و حقوق اسلامی دانشگاه بزرگمهر

قاننات / mr1saedakbari@yahoo.com

مقدمه

از دیر باز مباحث متعددی پیرامون جامعیت قوانین اسلام در همه اعصار مطرح شده است. این فراگیری به حیث مبنایی از چند منظر قابل بررسی است؛ پاسخگویی قوانین جزایی اسلام به تمام نیازهای بشر بر چه اساسی استوار است؟ اهداف کلی در مجازات‌های اسلامی چه بوده و سیاست جنایی اتخاذی اسلام چگونه بر مدار کرامت انسانی متمرکز است؟ ملاک‌های تشدید و تخفیف در مجازات‌های اسلامی با تکیه بر چه عناصری است؟

قانونگذاری در کشورهای متعدد و در مکاتب مختلف، مبتنی بر عوامل و اصولی است که برای بهتر زیستن انسان پایه‌گذاری شده است. با سیری در قوانین غیر الهی با بینش بشری با نقایصی مواجه می‌شویم که این موضوع متأثر از عدم صلاحیت انسان در مقام قانونگذاری به جهت عدم احاطه بر مسائل مورد نیاز و مرتبط بشری و علم لازم برای تأمین سعادت است (خسروشاهی و دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۶۳) چنان که برخی اظهار داشته‌اند که معیار جرم‌انگاری و تقنین در طول تاریخ، اخلاق و ضرر بوده است. (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۲)

شاید بتوان گفت ناتوانی و توجه ناتمام و ضعیف، به خصیصه‌های انسانی و اجتماعی در کنار عوامل مذکور، تقنین بشری را با خلل مواجه ساخته است، از این رهگذر و در مقابل این نحوه قانونگذاری، توجه و مذاقه در تشریحات الهی می‌تواند راهگشای بسیاری از خلل‌ها و ناعدالتی‌ها باشد و گفته شده که قوانین جزایی اسلام به جهت مبتنی بودن بر بینش الهی دقیق‌تر و جامع‌تر است. (اشکوری، ۱۳۶۱: ۶۲)

به عبارت دیگر قوانین اسلام بر پایه‌های مصلحت دنیوی و اخروی بنا نهاده شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۴۶۶) لذا تبعیت از قوانین اسلام تبعیت از اوامر الهی و حفظ حقوق مردم است و عدم تبعیت از قوانین اسلام ناخشنودی خداوند و تزییع حقوق مردم را به همراه دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۲۹)

ویژگی الهی بودن قوانین اسلام موجب شده تا تقنین بر اساس جلب مصالح و دفع مفاسد باشد چرا که زیربنای قوانین مصالح و مفاسد است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۲۸) و هدف عمده شارع در قانونگذاری مصلحت مردم است (مسعود، ۱۹۷۳: ۲۸۴) و اینکه قوانین اسلامی متصف به مصالح و مفاسد است، اتفاق نظر بین شیعه و اهل سنت وجود دارد. (شاکرین، ۱۳۹۱: ۴۵؛ ضرابی، ۱۳۹۲: ۲۱۵)

۱. چرا که خداوند نفعی در قانونگذاری برای انسانها نمی‌برد و آنچه بیان نموده مصلحت بشری است.

اما حقیقت آن است که مصالح و مفساد موجود در احکام، همواره برای انسان معلوم نیست،^۱ اما این پوشیدگی مانع از آن نیست که این دسته از قوانین طرد شوند. به جهت اینکه قوانین و احکام اسلامی تعبدی محض [فاقد مصلحت و حکمت] نیستند. (شاکرین، ۱۳۹۱: ۴۶)

وجود مصلحت در قوانین اسلام، نگرشی است که شارع از جهان و ارتباط آن با آخرت و از انسان و هدف خلقت وی دارد که بر این مبنا تفسیری متمایز از عدالت و مصلحت و مفساد ارائه می‌دهد که در سایر مکاتب به چشم نمی‌خورد. (علیدوست، ۱۳۸۸: ۸۶)

آنچه در خصوص موضوع تخفیف و تشدید نگاشته شده است مانند کتاب «تشدید و تخفیف در احکام جزایی اسلام» تالیف عباسعلی حیدری و... و مقالاتی چون «تخفیف مجازات در حقوق کیفری ایران»، نوشته حمید دلیر و «قواعد حاکم بر تشدید و تخفیف مجازات‌ها»، اثر سید محمد ظاهر محمدی،^۲ صرفاً به عوامل تشدید و تخفیف مجازات‌ها در جرایم حدی پرداخته‌اند یا این عوامل را صرفاً در حقوق موضوعه و بدون توجه به مبانی مورد نظر مقنن در امر تقنین واکاوی نموده‌اند، لذا در پژوهش حاضر علی‌رغم توجه به عناصر و مبانی تشدید و تخفیف در مجازاتهای اسلامی در بحث حدود و تعزیرات، مبانی این دو نوع مجازات نیز بررسی شده است.

همچنین مسلک و مذاق شارع مقدس اسلام و مقنن را در سیاست جنایی اسلام و اعمال مجازات را تبیین و مورد مذاقه قرار داده است، چرا که برای درک صحیح و دقیق‌تر از سیاست جنایی اسلام نخست می‌بایست به تبیین مبانی قوانین کیفری در اسلام و سپس به بیان اهداف و عوامل مؤثر در تخفیف و تشدید مجازات‌ها پرداخت. در پژوهش حاضر اطلاعات گردآوری شده با تدقیق در منابع معتبر فقهی و حقوق موضوعه به شیوه تحلیلی-توصیفی بیان شده است. روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای به شیوه استنادی است.

۱. گونه‌شناسی قوانین کیفری اسلام

در تقنین اسلامی پیوسته با مجموعه‌ای از قواعدی مواجه می‌شویم که همواره دچار تحول شده و بخشی دیگر پیوسته ثابت بوده‌اند. به عبارت دیگر دو ویژگی ثابت و متغیر

۱. هدف از شناخت مصالح و مفساد نهفته آگاهی به فلسفه حکم و سپس روشن شدن دایره و شمول فراگیری حکم است.

۲. هردو مقاله در سایت www.hvm.ir مقالات حقوقی بخش حقوق جزا و جرم‌شناسی قابل دسترسی است.

بودن^۱ قوانین و مجازاتها لازمه یک نظام حقوقی برای بقا و تداوم و جامعیت و پاسخگو بودن به نیازهای انسانی است. (فروزش، ۱۳۸۶: ۷۰)

الف) قوانین ثابت (لایتغیر)

این دسته از قوانین که از صدر قانونگذاری اسلام تاکنون تغییری در آن صورت نپذیرفته است، به جهت یکسانی ارزش‌های متعلق به بشر عصر نبوی با بشر کنونی است. (ظفری، ۱۳۷۷: ۳۸) این دسته از قوانین بسیار حائز اهمیت هستند به جهت اینکه تمام احکام فرعی متغیر، منطبق بر این اصول و قوانین ثابت استنباط می‌گردند. (معرفت، ۱۳۹۴: ۲۴۷) مبنای تغییرناپذیر بودن این دسته از قوانین، ضروریات پنج‌گانه دین، عقل، ناموس، نفس و مال است. (ظفری، ۱۳۷۷: ۲۹) باید توجه نمود که ابقاء حیات مادی و معنوی انسان جز با حفظ این ضروریات پنج‌گانه ممکن نیست و همه قوانین اسلام به جهت حفاظت از این ضروریات وضع شده‌اند (همان: ۷۶) به همین جهت اختلال در این ضروریات، مستلزم اختلال در دیگر مصالح است و ثمره آن، تباهی روح و جسم و هرج و مرج در نظام اجتماعی است. (صلاحی، ۱۳۹۲: ۳۸)

بنابراین، این ضروریات مبنای همه مصالح قوانین اسلامی است. (مسعود، ۱۹۷۳: ۲۸۸) برخی بر این باورند که این ضروریات پنج‌گانه که در تقنین مورد توجه و حمایت قرار می‌گیرد، جرم‌انگاری و حرمت تعدی به آنان ذاتی است. (فاضل مقداد، ۱۳۹۱، ج ۲: ۳۳۱) بنابراین، براساس تصریح اخیر، لازم می‌آید که رعایت و توجه به ضروریات خمس در هر نوع و شکل از قانونگذاری ملحوظ گردد و قانون بشری نیز همچون قوانین و احکام الهی جامع و عاری از هر گونه نقص باشد، اما براساس آنچه پیشتر اشاره شد توجه به ضروریات خمس و توجه کامل قانونگذار به این موارد و احاطه جامع بر آن از ویژگی‌های خاص اسلام و پایه قوانین اسلام است و در قوانین غیرالهی چنین ویژگی به طرز کامل به چشم نمی‌خورد.^۲

۱. البته در برخی متون از قوانین ثابت با عنوان پیشرو و از قوانین متغیر با عنوان پیرو یاد کرده‌اند. (مهدوی، ۱۳۸۹: ۶۲)

۲. برای نمونه شرب خمر که در اسلام حرام و دارای مجازات است (برای حفاظت از عقل به عنوان یکی از ضروریات خمس) (الموطبی، ۱۹۹۷: ۲۱) در قوانین بسیاری از کشورها منع و مجازاتی برای نوشیدن آن وجود ندارد، بنابراین اگر ملحوظ داشتن ضروریات خمس در تقنین امری ذاتی بود باید چنین منع و مجازاتی در این قوانین برای نوشیدن آن وجود می‌داشت.

ب) قوانین غیر ثابت (متغیر)

قوانینی که مبتنی بر مصلحت هستند متصف به قید عدالت نیز می‌باشند. (عباس‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۳) در واقع شرط پذیرش یک مسئله و توجه به آن در قوانین اسلام همسو بودن این تحول و تغییر با مقاصد شریعت است. (رضایی، ۱۳۸۲: ۲۰)^۱

این قبیل قوانین باید موجبات و مقدماتی برای وصول به مقاصد شریعت باشد و زمانی اهمیت آن مضاعف می‌گردد که حامی ضروریات شریعت بوده و این تغییر به وجود آمده در آن نیز به جهت حمایت از مصالح مردم باشد. (مسعود، ۱۹۷۳: ۲۸۴) یعنی ضمن حفظ ضروریات به عنوان اصل و پذیرش آن، تغییری که در این قواعد حادث می‌گردد به جهت نیازهای متغیر انسان در ادوار مختلف است و این خود مبین ضروری بودن تغییر برای یک سیستم تقنینی است. به شهادت تاریخ، اوصاف مذکور پیوسته در قانونگذاری اسلامی مورد توجه بوده است و مجوز آن نیز کتاب، سنت و اجماع است. (محمصانی، ۱۳۴۶: ۲۱۹) با این حال حقوقدانان بر این باورند که اسلام به لحاظ مفهوم و طبق ماهیت تکاملی و روش شناسی‌اش ثابت و لایتغیر می‌باشد (مسعود، ۱۳۸۲: ۲۷؛ رضایی، ۱۳۸۲: ۱۳) بی‌شک این گروه به خطا رفته‌اند چرا که اقتضای حیات بشری که توأم با تحول است خواهان یک قانون منعطف و تأثیرپذیر از این دگرگونی است که قوانین اسلام به جهت اینکه بتواند استمرار و استیلای خود را بر رفتار بشری داشته باشد و پیوسته مورد توجه واقع گردد باید واجد این خصیصه باشد و با توجه به منشأ قانونگذاری که واقف بر ابعاد مورد نیاز بشری است و سعادت انسانها را خواهان است، بسیار بعید است چنین وصفی در آن ملحوظ نشده باشد.

زیربنای این قوانین متغیر در اسلام، قوانین ثابت هستند. (وحیدی، ۱۳۸۹: ۳۶۹) در واقع برای جرایم خطیر که ارتکاب آنها تعدی به همان ضروریات پنج‌گانه ثابت بشری است کیفرهای ثابت حدی (صانعی، ۱۳۸۲: ۱۴۷) و قصاص را برگزیده و برای سایر جرایم که به حیث اهمیت در مرتبه پایین‌تر می‌باشند و پیوسته این جرایم ممکن است در طول زمان متغیر و جدید باشند، مجازات تعزیرات^۲ را برگزیده است تا به بهترین شیوه ارتکاب جرم تا حد امکان دفع گردد. توجه به دو عنوان قوانین ثابت و متغیر پاسخگوی نیاز بشر در امر تقنین است.

۱. مراد از مقاصد شریعت همان ضروریات پنج‌گانه می‌باشد که اسلام در صدد حفاظت از آن است.

۲. مراد از تعزیر غیر از تعزیر منصوص شرعی است و در واقع مراد همان قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» است.



بنابراین هدف کلی در اعمال مجازات‌ها حفاظت از آن دسته از مواردی است که قوانین ثابت برای آن تعیین شده که پیشتر به بیان آن پرداختیم یا وصول به اهدافی که از اعمال مجازات‌های متغیر در پی آن هستیم، لذا به شرح اهداف عمومی و کلی از اعمال مجازات می‌پردازیم و سپس اثبات خواهیم نمود که قوانین اسلام پیوسته مبتنی بر عدم اعمال مجازات صرف است و از این رهگذر ملاک‌هایی را مد نظر دارد.

۲. اهداف کلی و عمومی در اعمال مجازات‌های اسلامی

قانونگذار برای بزه‌های شکل‌گرفته در شرایط عادی و فارق از شرایط خاص، اهداف کلی را در مجازات‌ها مد نظر داشته است. در واقع این اهداف کلی و عمومی را می‌توان جز خصایص تمام مجازات‌های اسلامی دانست.

الف) بازدارندگی

بازدارندگی یکی از خصیصه‌هایی است که باید همواره در قانونگذاری مورد توجه قرار بگیرد و این ویژگی تنها مربوط و مختص به مرحله اجرای مجازات نیست؛ علت اهمیت این موضوع مسلماً در امر پیشگیری مطرح است خواه این پیشگیری، در ارتکاب جرم متجلی باشد، خواه در ممانعت از تکرار جرم آشکار گردد. آنچه واجد اهمیت است شیوه‌های انحصاری بازدارندگی است که جنبه معنوی و تربیتی نیز دارد و همیشه این بازدارندگی متصف به اعمال رفتار علیه بزهکار نیست، در واقع گاهی این بازدارندگی موجب می‌گردد که خود شخص از ارتکاب رفتار مجرمانه خودداری ورزد و عمل شریانه را در همان وادی ذهن و پیش از ظهور به ورطه فراموشی بسپارد و گاهی به جهت اینکه سلسله مراتب بازدارندگی در مراحل تربیتی و معنوی بر اصلاح شخص مؤثر واقع نشده ناگزیر، باید متکی به اعمال مجازات علیه بزهکار شد، لذا برای آگاهی جامع از شیوه‌های بازدارندگی که در نوع خود انحصاری است به بررسی آن خواهیم پرداخت.

ب) تهذیب، تأدیب، فسادزدایی

سیاست جنایی اسلام بیشتر معطوف به بحث پیشگیری است (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۳۷) پیشگیری از ارتکاب جرم و تکرار آن در سیاست تقنینی اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به طوری که حتی برخی از اندیشمندان غربی بر این باورند که پیشگیری از ارتکاب جرم بسیار بهتر از اعمال کیفر است و چنین ویژگی را ملحق به یک قانونگذاری صحیح می‌دانند که موجب نیل به خوشبختی‌ها و دوری از بدبختی‌ها می‌شود. (بکاریا، ۱۳۸۹

(۱۳۱:

در سیاست پیشگیرانه اسلام، شارع پیش از هر اقدامی تأکید بر تعلیم و تربیت داشته (ظفری، ۱۳۷۷: ۱۶۳) و آن را یکی از شیوه‌های ابتدایی پیشگیری از ارتکاب جرم قرار داده است و برای اعمال این روش به بیان فضایل و ردائیل پرداخته تا بدون هیچ‌گونه جبر و فشار و با استفاده از قوه عقل راه نیکو را برگزیند و راه ناصواب را ترک کنند.^۱

این طریق پیشگیری می‌تواند بسیار مؤثر واقع گردد، چرا که در تعلیم و تربیت اسلامی خداوند عالم بر اعمال انسان و جهان محضر اوست.^۲ به طوری که شخص با چنین اعتقادی علاوه بر اینکه در قبال ارتکاب جرم احساس ندامت و شرمندگی می‌کند خود را از کیفر اخروی خویش رها نمی‌بیند و همواره نسبت به قانونمندی ساعی است.

به هر حال بسیاری از جرایم را که در همان مرحله شروع به اجرا، شخص به اراده خود از ارتکاب جرم منصرف می‌گردد، باید ناشی از یکی از این دو عامل یا هر دو دانست که می‌توان با تقویت و گسترش برنامه‌های تربیتی اسلامی موارد موصوف را در وجود شخص نهادینه کرد و شاهد کاهش جرایم باشیم. به خلاف تصور برخی که اذعان داشته‌اند پس از مرحله تعلیم و تربیت، قانونگذار اسلامی شیوه اعمال مجازات را برگزیده است (ظفری، ۱۳۷۷: ۱۶۳) باید اعلان نمود که پس از مرحله تعلیم و تربیت، قانونگذار از باب رأفت و توجه و احترام به حیثیت، اعتبار و آبروی اشخاص^۳ تأسیس امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان نهادی برای افول شکل‌گیری جرایم قرار داده است و تحقق این مرحله از پیشگیری را در گرو عملکرد جامعه دانسته، چرا که در سیاست جنایی اسلام جامعه نقش وسیعی در پیشگیری از ارتکاب جرم دارد (حسینی، ۱۳۹۳: ۲۵۲) و هر فردی موظف است نسبت به این عمل اقدام کند.^۴ اگر فردی عصیانگر به واسطه اعمال این سیاست‌های پیشگیرانه همچنان افکار شریانه خود را در سر می‌پروراند و مصرّ در ارتکاب است باز هم اسلام در صدد اعمال مجازات نبوده و شیوه سختی را برای اثبات عمل مجرمانه و به تبع آن اعمال مجازات قرار داده است. این ویژگی در جرایم حدی مشهود است. وجود قواعدی چون «لایمین فی حد» و «تدرأ الحدود بالشبهات» و... حاکی از این سیاست است چرا که شارع اسلام بر این باور است که اگر آن مطلوبی که به موجب اجرای مجازات بر بزهکار حاصل می‌گردد به طریقی غیر از اعمال مجازات نیز حاصل گردد، مورد پذیرش است. بنابراین در قوانین اسلام اعمال کیفر موضوعیت ندارد (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۷۲)

۱. انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً. (انسان: ۳)

۲. ألم یعلم بأن الله یری. (علق: ۱۴)

۳. لقد کرّمنا بنی آدم. (اسراء: ۷۰)

۴. یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر. (آل عمران: ۱۰۴)

این معافیت از مجازات، به هیچ وجه به درجه وخامت، قبح و زشتی عمل مجرمانه بستگی ندارد (ولیدی، ۱۳۸۸: ۴۰۲) و این نه تنها مبین منعطف‌پذیر بودن احکام اسلامی است، بلکه همسو با عدالت ترمیمی می‌باشد که امروز در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار گرفته است.

غالباً مصلحت قوانین کیفری اسلام در تشریح و وضع قوانین می‌باشد (مجازی، ۱۳۸۸: ۳۵؛ وحیدی، ۱۳۸۹: ۳۷۱) و متکی به اجرا نیست، چرا که بازدارندگی لزوماً با اجرا محقق نمی‌گردد، بلکه مطلوب‌تر و سودمندتر برای فرد و جامعه آن است که این بازدارندگی پیش از اجرای مجازات تأثیر خود را بگذارد. (عباس‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۴) با این حال چنانچه شخصی به موجب شیوه‌های تهذیبی و تأدیبی فوق همچنان در به ظهور رساندن عمل مجرمانه خود مبرم است، ناگزیر، باید متوسل به اعمال مجازات شد، چرا که مجرم در این صورت حرمت و حریم احکام الهی را بیش از پیش نادیده گرفته و توصیه‌ها و شیوه‌های ترحم‌آمیز اسلامی را زیر پا نهاده و با رسیدن به منافع نامشروع موجب تعددی به حقوق دیگران شده و جامعه، بزه‌دیده و بستگان وی را با توده‌ای از مصائب مواجه ساخته و آسایش آنها را خدشه‌دار نموده است.

برای این موارد که مساوی با ظلم می‌باشد (همان: ۵۹۰) اسلام با شیوه عدالت‌محور خود در صدد زدودن این موارد است. در مواردی که عمل، مفسده‌ای مخاطره‌آمیز دارد و شارع نیز ناهی آن عمل بوده است، اعمال مجازات محسوس‌تر و سنگین‌تر است. برخی از حقوقدانان مجازات را یک ضرورت اجتماعی می‌دانند (عوده، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۲۶) که البته بیان نمودیم که برای حفظ ارزش‌های انسانی و همسو با غرض شارع، تمسک به مجازات را باید در مرحله آخر به عنوان یک ضرورت اجتماعی جستجو کرد و عدم توجه به این ارزش و ارزش‌های اجتماعی را باید از عوامل پدیدار شدن معضل در سطح اجتماع دانست. (ظفری، ۱۳۷۷: ۲۶)

برای جرم‌انگاری یک عمل مجرمانه و تعیین مجازات برخی قائل به این هستند که نیازمند ضوابطی چون مقدار ایذاء تحمیل شده بر بزه‌دیده یا اجتماع، ترس و وحشتی که از ارتکاب آن عمل مجرمانه در سطح جامعه حادث می‌گردد، مقدار هتک حرمت و تجاوز از حریم شرع مقدس و خصوصیات و احوال بزه‌کار را باید مدنظر داشت (اشکوری، ۱۳۶۱: ۲۲) که ملحوظ نمودن این اوصاف و خصایص در تقنین، خود وافی به مقصود است و ثمراتی را که برای اعمال مجازات بر شمرده‌اند، دارا خواهد بود. به عبارت دیگر این موارد بسترساز و لوازم ضروری نیل به اهداف عالیه مدنظر شارع است و برخی نیز بیان نموده‌اند با مدنظر داشتن اهداف غایی که از اعمال مجازات عاید می‌گردد، نوع و میزان مجازات را می‌توان تعیین نمود. (مظفری، ۱۳۷۷: ۱۶۳)



بی‌شک، هر دو ضابطه مذکور نیازمند تنقیح است، چرا که در نظریه اول ممکن است در تعیین میزان آسیب وارده از ناحیه بزهکار بر سطح جامعه دچار خطا گردیم و تناسب بین فعل و مجازات برقرار نگردد و مطلوب حاصل نشود در خصوص نظریه دوم زمانی می‌توان آن را صحیح و مطلوب دانست که ابزار نیل به مقصد مشخص و معین و در چارچوب‌های انسانی و در خور ارزش‌های وی باشد. در غیر این صورت آزادی در اعمال هر روشی برای رسیدن به غایت، بدون رعایت معیار و در مواردی تشدید برای سهولت و قطعیت به نتیجه مدنظر، اسباب اضرار به اشخاص را فراهم می‌آورد که موجب انزجار افکار عمومی (ولیدی، ۱۳۸۸: ۴۱۶) و ناامنی و اختلال در نظم جامعه می‌شود که نافی غرض مقنن از تقنین است. اجرای مجازات عوایدی را فی نفسه دارا است که یکی از این عواید بازدارندگی می‌باشد، چنانچه اجرای مجازاتی بازدارندگی عام و خاص را داشته باشد مصلحت فرد و جامعه محقق گشته است. (مجازی، ۱۳۸۴: ۴۵) از این رو برای مجازات‌های اسلامی می‌توان اهدافی را من حیث المجموع بیان نمود که به اختصار عبارت‌اند از:

۱. تأدیب، تهذیب، سعادت و سلامت جامعه (گرچی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶)
 ۲. پاسداشت حریم؛
 ۳. پوشش اثر گناه؛
 ۴. مهار گستره آزادی؛ (ابراهیم‌پور لیالستانی، ۱۳۸۷: ۵۵)
 ۵. برقراری عدالت؛ (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۷۶)
 ۶. ارعاب: که در اصل تشریح حکم هم جاری است؛ (قبله‌ای خوبی، ۱۳۹۱: ۲۰۱)
 ۷. ارضا و جبران؛ (ظفری، ۱۳۷۷: ۱۶۷)
 ۸. بازداشتن از ارتکاب مجدد. (تنکابنی، بی‌تا: ۲۰؛ قیاسی و دیگران، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۲۵)
- با تمام آنچه که گفته شد پیوسته باید توجه داشت که نگرش عاطفی، احساسی و درک تخیلی نسبت به مجازات‌های قانونی و شرعی ممکن است زیان‌آور باشد. (ابراهیم‌پور لیالستانی، ۱۳۸۷: ۷۴)
- گاهی شرایطی پدید می‌آید که اعمال مجازات‌ها بدون توجه به ویژگی‌های فردی و اجتماعی، فوایدی را که از اعمال مجازات‌ها بر شمرده شد، به همراه نخواهد داشت، چرا که اوضاع و احوال و بازه زمانی ارتکاب ایجاب می‌کند برای نیل به اهداف مجازات‌ها، شرایط و ویژگی‌هایی را ملحوظ داشت که گاهی بر حسب ضرورت، تخفیف کارآمد خواهد بود و در مواردی اقتضاء بر اعمال تشدید در مجازات است.



۳. عوامل کاهنده (مخففه) مجازات بزهکار

از آنجایی که مجازات‌های اسلامی بر مبنای مصلحت و فایده‌گرایی است و صرف اعمال مجازات مد نظر شارع نبوده است، لذا گاهی بنا بر شرایط فردی - روانی یا جسمانی - و یا اجتماعی مجازات بزهکار را در خور تخفیف دانسته است تا به بهترین نحو، سعادت و باز اجتماعی شدن فرد و به تبع آن سعادت اجتماع تامین گردد.

الف) عوامل شخصی

در واقع این دسته از عوامل مخففه متأثر از شرایط خاص بزهکار است که سبب تخفیف در اعمال مجازات نسبت به وی می‌شود.

یکم) اقرار

در تعریف اقرار، این گونه بیان نموده‌اند: اعتراف اقرارکننده به آنچه که در ذمه وی است اعم از اینکه دین، حق، ضمان، نسب، جنایات و... (مصطفوی، ۱۳۷۹: ۶۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۳۶۸) و یا مربوط به حق الناس یا حق الله باشد (لنکرانی، ۱۳۹۲: ۷۵) لذا آنچه موجب اقرار شخص گشته یک سلسله انگیزه عقیدتی (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۱: ۹۵) یا احساس ندامت و قبول مسئولیت اتهام و عمل انجام شده می‌باشد (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۳: ۱۴۹)

لذا می‌توان گفت با توجه به اینکه شخص از عواقب اقرار خود و کیفر آگاهی دارد، با اقراری غیر واقعی خود را در معرض مجازات قرار نمی‌دهد، شاید معتبرترین و قطعی‌ترین راه برای آگاهی از وقوع جرم باشد، البته باید به اقرارهای سودجویانه عاطفی و منحرفانه نیز توجه گردد. (خالقی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۵۴) بنابر آنچه گفته شد چون در این خصوص شخص غالباً درصدد اصلاح پیشینه و عملی که انجام داده می‌باشد اسلام به سبب این اقدام مقدماتی و اصلاح طلبانه وی تخفیف را در مجازات‌های ثابت^۱ و متغیر^۲ وی ملحوظ نموده است. (پیترز، ۲۰۰۳: ۱۹)

۱. برای نمونه رک: به ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۲. در تمام جرایم تعزیری قانونگذار اقرار متهم را از عوامل مخففه دانسته است. بند «ت» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

دوم) شرایط جسمانی خاص

گاهی شرایط خاص جسمانی برای بزهکار حادث می‌گردد که وی را در حالت نامساعدی برای اجرای مجازات قرار می‌دهد که از این رهگذر، این شرایط ایجاب می‌کند که مصلحت بزهکار نیز توجیه گردد. از آنجایی که یکی از خصیصه‌های مجازات اسلامی تناسب مجازات‌ها(عوده، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۲۷) و توجه به شرایط و اوضاع و احوال بزهکار است، لذا مجازاتی خفیف با توجه به بیماری شخص مورد توجه قرار می‌گیرد که یکی از آنها در مجازات‌های حدی ضغث^۱ می‌باشد، چرا که اجرای حد ممکن است مختوم به مرگ گردد^۲ در حالی که هدف از مجازات کشتن و ناقص کردن بزهکار نیست.(شهیدثانی، ۱۳۹۳، ج ۱۳: ۷۳) البته اجرای ضغث منوط به جایی است که امیدی به بهبودی شخص نباشد و مصلحت ایجاب کند که بر وی ضغث جاری گردد(کریمی چهارمی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۳۷۲) و در صورتی که دانسته شود بیمار از مرض بهبودی می‌یابد اجرای حد تا زمان بهبودی به تأخیر می‌افتد(طوسی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۵) چرا که آدمی عقوبت عمل ناپسند خود را در حالت سلامتی بهتر درک می‌کند و غرض شارع که اصلاح بزهکار است بهتر فراهم می‌گردد.

سوم) توبه

در اصطلاح، تصمیم جدی بر ترک گناه است(خالقی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۱۲۹) و یکی از نهادهای تربیتی اسلام می‌باشد. توبه مفسر تحول باطنی و اصلاح‌پذیری بزهکار است(اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۳: ۲۴۲) و تائب باید قبیح بودن عمل خویش را پذیرا باشد و قبول کند که عمل وی مجرمانه بوده است.(همان: ۲۴۵) از این رو یکی از عوامل مهم تخفیف^۳ مجازات و گاهی سقوط^۴ مجازات‌های حدی و تعزیری را باید نهاد توبه دانست در واقع توبه نیز حاکی از عدم نگرش اسلام به تحمیل قهری مجازات بر بزهکار است و بیانگر منعطف بودن مجازات‌های اسلامی می‌باشد.(خسروشاهی و دانش پژوه، ۱۳۸۵: ۲۱۳) امروزه نیز مقننین بر این امر واقف‌اند که خشونت و سختگیری بیش از اندازه و اعمال

۱. ضغث به تعدادی چوب و مانند آن که شامل عدد معتبر است می‌گویند.(شهیدثانی، ۱۳۹۳، ج ۱۳: ۷۳)

(۸)

۲. علت پافشاری بر اعمال مجازات در جرایم حدی و عدم تأخیر تا افاقه بزهکار در اجرای این مجازات‌ها اصل اولی در اجرای حدود یعنی فوریت است که ضغث، جمع مسالمت آمیز بین اجرای فوری حد و رعایت غبطه بزهکار است.

۳. برای نمونه ر. ک: تبصره ۲ ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۴. برای نمونه ر. ک: تبصره ۲ ماده ۱۱۴ و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.



مجازات‌های غیرانسانی نه تنها وافی به مقصود (اصلاح بزهکار) نبوده بلکه موجب تعددی به حقوق انسانی نیز می‌گردد.

ب) عوامل نوعی (عینی)

عارض شدن شرایطی خارجی که ارتکاب جرم در آن بازه زمانی، تخفیف مجازات را برای بزهکار به همراه دارد.

یکم) شرایط نابسامان اقتصادی

در متون فقهی یکی از عوامل افزایش ارتکاب جرم، عامل خشکسالی می‌باشد. این عامل یکی از عوامل بسیار نیرومند در ارتکاب جنایت و سرقت در جامعه است (یوسفی اشکوری، ۱۳۵۳: ۳۰) و به جهت ایجاد فقر و گرسنگی از عوامل مولد جرم شناخته می‌شود. خشکسالی موجب تخفیف مجازات در جرم سرقت حدی می‌گردد (کریمی جهرمی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۱۰۰)

سئوالی که ممکن است مطرح گردد این است که آیا خشکسالی موضوعیت دارد یا طریقت؟ باید در ابتدا بیان نمود در زمان‌های گذشته اشتغال جمع کثیری از مردم مبتنی بر امر زراعت بوده است و این پیشه پیوسته دستخوش شرایطی محیطی بوده و بروز خشکسالی، فقر را برای خانواده زارعان که جمع کثیری از افراد جامعه را تشکیل می‌دادند به ارمغان داشته است، لیکن از آنجایی که فراهم کردن مایحتاج ضروری خانواده در سال خشکسالی به دشواری و حتی ناممکن بوده است و ارتکاب سرقت در سال قحطی به جهت فراهم کردن مایحتاج به طور چشمگیری افزایش داشته، مقنن بر این اساس که غالب مردم جامعه که اشتغال به زراعت داشته و خشکسالی، فقر را به آنها تحمیل و موجب افزایش جرم می‌شده است، مسئله خشکسالی را موجب تخفیف دانسته است، اما با توجه به شرایط امروزی و کثرت مشاغل غیر زراعی و تقلیل کشاورزان و اشتغال به امور دیگر که حتی بروز خشکسالی بر میزان درآمد اشخاص و به تبع آن فراهم کردن مایحتاج ضروری بی‌تأثیر یا بسیار ناچیز است، خشکسالی دیگر نمی‌تواند موضوعیتی نسبت به این افراد که غالب جمعیت را تشکیل می‌دهند داشته باشد. بر این اساس آنچه که می‌تواند موجب تخفیف حد سرقت در شرایط کنونی باشد فراهم آمدن شرایط مشابه خشکسالی برای غالب مردم در تهیه مایحتاج ضروری زندگی است.

این شرایط امروزه با رکود اقتصادی (که موجب ورشکستگی بخش صنعتی و کارخانه‌ها و سایر مشاغل و به تبع آن اخراج کارگران و سایر افراد می‌شود) و همچنین تورم اقتصادی فاحش (که موجب سلب قدرت خرید مردم نسبت به تهیه مایحتاج ضروری

می‌گردد) به وجود می‌آید. در این دو حالت، شرایط پدید آمده در بازه زمانی رکود و تورم اقتصادی تداومی گر اوضاع و احوال موجود در زمان خشکسالی می‌باشد. سؤال دیگری که مطرح است در خصوص افراد توانمند در زمان خشکسالی است که مرتکب سرقت می‌گردند؛ برخی از حقوقدانان این عده را نیز مشمول تخفیف می‌دانند و بیان می‌کنند که مسامحه شارع در خصوص ممانعت در اجرای حد و همسو بودن با قاعده «درء»، این امر را ایجاب می‌کند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴: ۳۲۶؛ حسانی، ۱۳۷۸: ۴۵)

برخی فقها نیز اظهار می‌دارند که سرقت شخص متمکن در سال قحطی همچون سرقت همان شخص در سال غیرقحطی و خشکسالی است. (کریمی جهرمی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۱۰۱) این نظر صحیح‌تر به نظر می‌رسد چرا که با توجه به آنچه در مبنای این تخفیف گفته شد این عقیده همسو با غرض قانونگذار است و با جمیع روایات در باب حدود مبنی بر چشم‌پوشی در امر مجازات حدی نیز هماهنگ است. همان طور که بیان شد ملاک اعتبار، گرسنگی و ناتوانی در فراهم کردن مایحتاج ضروری می‌باشد، نه صرف وجود سال خشکسالی. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲: ۲۱۴)

دوم) اضطرار

اضطرار از ریشه «ضرر» و به معنای ناچار شدن و گریز نداشتن و در اصطلاح، اوضاع و احوالی است که در آن حالت، شخص ناگزیر به انجام یا ترک کاری می‌شود که آن کار حرام (محقق داماد، ۱۳۹۴: ۱۲۵) و گاه مباح است. (انصاری، طاهری، ج ۱: ۳۳۶) برخی «مضطر» را نیز این گونه تعریف نموده‌اند: کسی که عدم تلف برخی از محرّمات موجب تلف جان وی گردد. (ارجمندانش، ۱۳۷۷: ۳۱۹)

در «اضطرار» این عقل است که حکم به ارتکاب فعل می‌کند (ملک‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۸) به این جهت اضطرار را در مبحث خشکسالی مطرح نکردیم که خود دلیل مستقلاً در تخفیف به شمار می‌آید و ذکر اضطرار در بحث خشکسالی تنها مشمول اضطرار نوعی^۱ می‌شود در حالی که اضطرار شخصی^۲ نیز عامل مخففه به شمار می‌آید. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۲۱۹-۲۱۸) البته باید توجه نمود اضطرار به تنهایی موجب تخفیف به شمار می‌آید، لیکن چنانچه با قید خشکسالی همراه شود موجب جریان قاعده «درء» می‌شود. به عبارت دیگر «اضطرار» زمانی عامل تخفیف محسوب می‌گردد که نزد دادرس

۱. بند خ ماده ۲۶۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ کتاب حدود.

۲. تبصره ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ کتاب تعزیرات.



ثابت گردد، ولی اضطرار در سال خشکسالی نیاز به ثبوت اضطرار ندارد و توأم بودن این دو عامل موجب جریان قاعده درء و تبع آن تخفیف می‌شود. (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۰۰) با این حال دلیلی وجود ندارد که بحث «اضطرار» مستقلاً مطرح نشود و با عوامل دیگر به عنوان عامل تخفیف شناخته شود.

چنانچه اضطرار به نهایت خود برسد موجب عسر و حرج می‌گردد و قاعده عسر و حرج یکی از مهم‌ترین اصول مذهبی در اسلام است (الموطیری، ۱۹۹۷: ۱۶) و در تمامی ابواب فقه جاری می‌شود. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۶۶) و چنانچه عسر و حرج محقق و اثبات شود، نافی مصائب جسمانی و نفسانی است. (حسینی شیرازی، ۱۳۷۸: ۸۵). بنابراین نفی عسر و حرج صحه‌ای بر مفاد «اضطرار» است، اما «اضطرار» از عناوین ثانویه‌ای می‌باشد و علت عمل به حکم ثانوی می‌تواند به جهت شرایط و مصالح برتر یا ترجیح اهم بر مهم یا حتی عدم نیل به مطلوب باشد (منتظری، ۱۳۸۷: ۱۵۸) البته این جایگزین به صورت موقت می‌باشد چرا که اگر علت - اضطرار - متوقف گردد نتیجه نیز متوقف می‌گردد و حکم اولی به جایگاه خود باز می‌گردد. (محمصانی، ۱۳۴۶: ۲۶۷) از این حیث، بر مضطر مجازات حدی جاری نمی‌گردد.

چون در اسلام تنها کسی مستوجب کیفر سنگین می‌گردد که رفتار جزایی را با اراده مجرمانه همراه با شرایط مناسب عقلانی و جسمانی انجام داده باشد (عبداللهی، ۱۳۸۹: ۳۷) و در شخص مضطر به جهت اینکه فاقد انگیزه به غیر و داعیه سودجویی بوده است، حاکی از روحیه جامعه ستیزی نیست. (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۵۲) لازم به ذکر است آنچه که به موجب اضطرار از تعقیب مصون مانده چنانچه دارای ارزش فزاینده‌ای نسبت به شیء تضییع شده باشد باید مضطر را از مسئولیت معاف داشت؛ همچنین است در جایی که شیء حفظ شده و تضییع شده دارای ارزش مساوی یا پایین‌تر باشد چرا که جامعه نفعی با اعمال مجازات نسبت به این اشخاص نخواهد برد. (همان) با این حال باید مضطر را تنها از مسئولیت کیفری معاف داشت (همان: ۲۵۷؛ فیض، ۱۳۸۵: ۳۳۶) و در خصوص خسارت وارده ملتزم به پرداخت نمود. (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۵۷)

۴. عوامل تشدیدکننده (مشده) مجازات بزهار

در شرایطی نه تنها اعمال تخفیف وافی به مقصود نمی‌باشد، بلکه بر حسب شرایط زمانی، مکانی و خصیصه فردی ایجاب می‌کند که مجازات تشدید گردد چرا که رأفت و تخفیف در اعمال مجازات موجبات اضرار - به جامعه و حتی خود فرد - را فراهم می‌آورد.

الف) عوامل شخصی

این عوامل عبارت است از اوصافی که متعلق به خود شخص بوده و چنانچه هر یک از این اوصاف شخصی با ارتکاب جرم مقارن گردد، تشدید مجازات را برای بزهکار به همراه خواهد داشت.

یکم) احسان

یکی از اوصاف تشدیدکننده مجازات، ارتکاب عمل قبیح زناست؛ چنانچه زن یا مرد یا هر دو دارای زوج و یا زوجه‌ای دائم باشند و امکان تمتع از زوج یا زوجه خویش در حالت بلوغ و عقل پیوسته در هر زمان بر ایشان فراهم باشد و مانعی برای این امر در هر یک از طرفین وجود نداشته باشد، چنین وصفی، حد جلد را در زانی و زانیه به عقوبت رجم مختوم می‌نماید. همچنین وصف احسان توأم با کهولت تشدید فزاینده مجازات را به همراه دارد به طوری که بر چنین شخصی ابتدا حد سپس رجم جاری می‌گردد. (گرجی، ۱۳۹۴: ۲۷) و می‌توان گفت علت این تشدید این است که با آزاد بودن روابط جنسی نه خانواده مستحکم به وجود خواهد آمد و نه اصل و نسب انسان‌ها در جامعه معلوم خواهد بود (خسروشاهی و دانش‌پژوه، ۱۳۸۵: ۲۱۷) و بر این اساس، اساس خانواده متزلزل و جامعه با تباهی مواجه خواهد گشت و می‌توان گفت انگیزه چنین اشخاصی بدون هیچ گونه ضرورت و صرفاً به جهت هوس‌بازی مرتکب چنین اعمالی می‌گردند (حیدری نراقی، ۱۳۸۵: ۴۴۱) چرا که همه شرایط کامیابی از همسر خویش برایشان فراهم می‌باشد. (شاکرین، ۱۳۹۱: ۹۰)

دوم) کفر

یکی دیگر از عوامل مشدده مجازات، کفر می‌باشد و ادله در خصوص مطلق کفار می‌باشد (ذمی یا کتابی) بنابراین چنانچه زانی کافر باشد و زانیه مسلمان هر چند زن با اختیار اقدام نموده باشد، حد برای زانی کشتن می‌باشد (گرجی، ۱۳۹۴: ۲۶) و چنین مجازاتی در خصوص فاعل لواط نیز اگر کافر باشد صادق است. (کریمی چهرمی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۰) در خصوص چرایی تشدید باید بیان نمود فاعل (کافر) با این امر، اسلام و مسلمانان را هتک نموده و با این عمل اگر ذمی هم باشد از شرایط ذمه خارج شده و پیمان و تعهد ذمه را نقض نموده است.



(ب) عوامل نوعی (عینی)

عواملی خارجی هستند که ملازمت هر یک از این عوامل با فعل مجرمانه تشدید مجازات را برای بزهکار به همراه خواهد داشت.

یکم) جنگ

یکی از عوامل تشدیدبخش جرایم می‌باشد. آنچه مقنن را بر آن وا داشته تا ارتکاب جرایم در این بازه زمانی را تشدید بخشد یک یا چند عامل از عوامل زیر می‌باشد:

۱. شرایط سیاسی، اقتصادی حاکم بر جامعه. (قربان حسینی، ۱۳۸۱: ۱۴۹)
 ۲. به همراه داشتن مشکلات فراوان برای دولت به جهت رسیدگی به جرم؛ چرا که بیشتر امکانات در گرو جنگ قرار گرفته و به راحتی امکان ارتکاب جرم توسط بزهکار فراهم است. (حسانی، ۱۳۷۸: ۱۶)
 ۳. در زمان جنگ تمام حواس دولت معطوف به جنگ است تا از تمامیت ارضی خود دفاع کند و مانع تجاوز گردند؛ در این بازه زمانی یقیناً نیروهای بازدارنده و تأمین‌کننده امنیت معدود خواهند بود و با تشدید در مجازات متضمن امنیت و بازدارندگی از ارتکاب جرم و به تبع آن کاهش جرم خواهد بود. (همان: ۳۸)
 ۴. کاهش امنیت داخلی در زمان جنگ به جهت اضطراب و نگرانی نسبت به تهیه مایحتاج و کم‌شدن زمینه یاری و مساعدت به دیگران و مهاجرت‌های اجباری (قربان حسینی، ۱۳۶۹: ۲۹)
- این تشدید مجازات نیز در ماده ۵۰۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نمود داشته است.

بحثی که مطرح است اینکه برخی از اساتید حقوق درخصوص تشدید مجازات در زمان جنگ با توجه به تفسیری که ارائه می‌دهند آن را ملحق به زمانی می‌دانند که این نوع جنگ باید از نوع جنگ بین‌المللی بین ایران و سایر کشورها باشد و جنگ داخلی را از این قضیه مستثنی می‌دانند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴: ۱۳۹-۱۳۷) اما با توجه به آنچه که به عنوان علل تشدید مجازات بیان شد و توجه مقنن به مصلحت جامعه و در نظر گرفتن شرایط مختلف زمانی و درگیری کشور در زمان جنگ‌های داخلی درست به مثابه جنگ‌های خارجی و وجود همان تشویش و اوضاع و احوال حاکم بر جامعه در زمان جنگ بین‌المللی بین ایران و سایر دول، می‌توان بیان نمود که آنچه مدنظر قانونگذار بوده، بر مبنای ممانعت از فراهم شدن شرایط نامساعد و بستر افزایش ارتکاب جرم است که این شرایط هم در زمان جنگ داخلی فراهم است و هم جنگ بین‌المللی و مصلحت‌اندیشی قانونگذار نسبت به جامعه مانع از این می‌گردد که قانونگذار به این امر مهم توجه نکرده

باشد، ضمن اینکه بیان اینکه لفظ جنگ تداعی گر جنگ‌های غیر داخلی می‌باشد از باب تبادر نبوده، بلکه بر حسب تغلیب در استعمال لفظ جنگ می‌باشد و این امر نافی عدم شمولیت جنگ داخلی نمی‌شود، پس جنگ داخلی را نیز باید مشمول تشدید دانست. (زراعت، ۱۳۸۸: ۷۵)

این شیوه تفسیر با غرض مقنن و ممانعت از ارتکاب فزاینده بزهکاری نیز همسو می‌باشد و مادامی که امکان آگاهی از مقصود قانونگذار فراهم است نباید سریعاً تمسک به تفسیر به نفع متهم جست، چرا که مجرای تفسیر به نفع متهم، یأس از آگاهی نسبت به مقصود قانونگذار پس از فحش و تتبع و عارض شدن شک است. (اردبیلی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۲۱۷)

دوم) ارتکاب جرم در زمان‌های خاص

گاه علت تشدید مجازات، ارتکاب آن در زمان‌هایی خاص همچون ماه رمضان است. علت تشدید مجازات در این ماه تقدس زمانی می‌باشد چرا که مقنن با این تشدید، انزجار خود را نسبت به ارتکاب جرم در این بازه زمانی بیش از پیش به منصفه ظهور رسانده است (حسانی، ۱۳۷۸: ۳۰) و خواهان حفظ تقدس این ماه با تشدید مجازات بوده است. این قداست به عناوین مختلفی در قرآن^۱ و روایات هم آن اشاره شده است. (همان: ۲۶) یکی از جرایمی که در کتب فقهی پیرامون تشدید مورد بحث قرار گرفته شرب خمر در ماه رمضان می‌باشد (منتظری، ۱۳۵۹: ۱۴۳) که به جهت هتک قداست این ماه به سبب ارتکاب جرم، تشدیدی ملحوظ می‌گردد که با تعزیر، این تشدید اعمال می‌گردد. همچنان که در شرب خمر علاوه بر اجرای حد شرب خمر بر شارب، بنا بر نظر حاکم، تعزیر نیز می‌گردد و این تشدید را می‌توان نسبت به جرایمی که در ماه‌هایی که واجد تقدس زمانی است تسری داد. (فاضل لنگرانی، ۱۳۸۰: ۲۷۷؛ تبریزی، ۱۳۷۵: ۱۷۶)

یکی دیگر از عناصر مهم در تشدید مجازات انجام آن در شب است و مناط آن این است که هر زمانی که ارتکاب جرم به سهولت توسط بزهکار امکان‌پذیر باشد، تشدید می‌تواند منعی برای ارتکاب باشد و برای تقنین در این خصوص باید به شرایط ایجاد شده به سبب جرم ارتكابی بسیار توجه گردد و مجازاتی در خور آسیبی که به اجتماع وارد آمده تعیین گردد. (وحیدی، ۱۳۸۹: ۳۷۹) علاوه بر سهولت ارتکاب در این خصوص که اقتضای تشدید را دارد مواردی چند وجود دارد که می‌توان آن را از عوامل مدنظر مقنن برای تشدید دانست:

۱. شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن. (بقره: ۱۸۵)

۱. برهم ریختن نظم عمومی (قربان حسینی، ۱۳۸۱: ۱۴۹) و از همه مهم‌تر امنیت مردم. (حسانی، ۱۳۷۸: ۳۷)
- مکان‌هایی که مورد سرقت قرار می‌گیرند اصولاً موجب سلب امنیت خاطر شهروندان اطراف آن مکان نسبت به حفاظت از جان، مال و ناموس‌شان می‌گردد و از این رو عنصر مهم امنیت را که لازمه رفاه حیات اجتماعی است خدشه‌دار می‌کند.
۲. ضعف بزه‌دیده در دفاع از خویش چرا که در بازه زمانی شب، شخص در زمان خواب از محیط پیرامون خود بی‌خبر است و هیچ‌گونه قدرت و توانایی برای دفع خطر ندارد. (همان: ۳۴)
- بنابر آنچه گفته شد سیاست جنایی اسلام، یک سیاست بسیار هوشمندانه توأم با توجه به تمام ابعاد ضروری و حوائج بشری است، با این حال اگر قانونی منطبق با وضع کنونی نیست، معلول مسامحه و اهمال دانشمندان اسلامی است، زیرا نقاط مبهم احکام و مقررات جزایی اسلام را روشن نساخته‌اند. (ظفری، ۱۳۷۷: ۳۱)

نتیجه‌گیری

- با عنایت به مذاقه‌های صورت پذیرفته، پژوهش حاضر، به ثمراتی منتج شده که ذیلاً فهرست‌وار و اختصارگونه ارائه می‌شود.
۱. شارع حکیم در تشریح تمامی قوانین از جمله قانون مجازات، هدفی جز اصلاح فرد و جامعه و وصول به سعادت نداشته است؛ بازدارندگی و تهذیب از مهم‌ترین اهداف شارع محسوب می‌شود.
 ۲. تحقق هدف شارع در پرتو قانونی منجمد و غیر منعطف صورت نمی‌پذیرد.
 ۳. انعطاف شارع در تعیین با رعایت اصول ثابت حاکم بر روح دین و با در نظر گرفتن مصلحت فرد و جامعه بوده و هرج و مرج و اباحی‌گری به شمار نمی‌آید.
 ۴. همچنان که انعطاف شارع در برخی شرایط، مجازات را برای بزه‌دیده سهل می‌کند، در مقابل و در شرایط دیگر موجب شدت مجازات می‌شود.
 ۵. اقرار، شرایط جسمانی خاص و توبه از جمله عناصر شخصی و شرایط نامناسب اقتصادی و اضطرار از جمله عناصر نوعی تخفیف مجازات‌ها محسوب می‌شود.
 ۶. احسان و کفر در زمره عناصر شخصی تشدید مجازات بوده و شرایط بحرانی نظامی و اجتماعی و همچنین زمان‌های مقدس اگر بستر وقوع جرم قرار گیرند موجبات تشدید مجازات‌ها را فراهم می‌آورند.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)

- ابراهیم پور لیلاستانی، حسن (۱۳۸۷)، اهداف و مبنای مجازات در دو رویکرد حقوق جزا و آموزه‌های دینی، ج ۱، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- ارجمند دانش، جعفر (۱۳۷۷)، ترمینولوژی حقوق جزای اسلام، ج ۱، انتشارات اعظم بناب.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، ج ۶، تهران: میزان.
- اشکوری، سید علی (۱۴۰۲ق)، قوانین جزایی از نظر اسلام (تقریرات سید محمود هاشمی)، قم: دارالکتاب اسلامی.
- انصاری، مسعود و محمدعلی طاهری (۱۳۸۶)، دانشنامه حقوق خصوصی، ج ۲، تهران: محراب فکر.
- بکاریا، سزار (۱۳۸۹)، رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه: محمدعلی اردبیلی، ج ۴، تهران: میزان.
- تنکابنی، فروغ (بی تا)، با مجازات اسلامی آشنا بشویم، ج ۱، قم: انتشارات جهاد.
- تبریزی، جواد (۱۴۱۷ق)، اسس الحدود و التعزیرات، قم: انتشارات مهر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، ولایت فقیه، ج ۱۶، قم: اسراء.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲)، مکتب‌های حقوقی در اسلام، ج ۳، تهران: گنج دانش.
- حسینی شیرازی، محمد (۱۳۷۸)، الفقه القواعد الفقهیه، قم.
- حسانی، عبدالصمد (۱۳۸۷)، تاثیر زمان و مکان در ارتکاب جرم و مجازات (رساله کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی)، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۳)، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، ج ۳، تهران: سمت.
- حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۵)، بررسی گناهان کبیره، ج ۱، قم: انتشارات مهدی نراقی.
- خالقی، علی (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری، ج ۳۰، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- خسروشاهی، قدرت‌الله و مصطفی دانش‌پژوه (۱۳۸۵)، فلسفه حقوق، ج ۱۰، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- دهقان، حمید (۱۳۷۵)، تاثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی اسلام (رساله کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی)، دانشگاه تهران.
- رضایی، حسن (۱۳۸۲)، نقش مقتضیات زمان و مکان در نظام کیفری اسلام، ج ۱، تهران: عروج.
- زراعت، عباس (۱۳۸۸)، شرح قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، ج ۲، تهران: ققنوس.





- سیاح، احمد (۱۳۷۵)، فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، ج ۱۸، تهران: چاپخانه احمدی.
- شاکرین، حمیدرضا (۱۳۹۱)، حکمت احکام، ج ۲، تهران: کانون اندیشه جوان.
- شهید ثانی، زین‌الدین علی بن عاملی (۱۳۹۳)، شرح العممه، ترجمه: علی شیروانی، ج ۱۴، قم: دارالعلم.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: انتشارات طرح نو.
- صلاحی، جاوید (۱۳۹۲)، کیفرشناسی و دیدگاه‌های جدید، ج ۳، تهران: میزان.
- ضرابی، احمد (۱۳۹۲)، نگاهی به فلسفه فقه، ج ۱، مشهد: انتشارات پیوند با امام.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳)، المسبوط فی الفقه الامامیه، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: المکتب المرتضویه.
- ظفری، محمدرضا (۱۳۷۷)، مبانی عدالت جزایی در حقوق اسلامی، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عباس‌نژاد، محسن و دیگران (۱۳۹۰)، قرآن و حقوق، ج ۲، مشهد: پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- عبداللهی، اسماعیل (۱۳۸۹)، درس‌هایی از فلسفه کیفری، ج ۱، تهران: انتشارات خرسندی.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، فقه و مصلحت، ج ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عوده، عبدالقادر (۱۳۷۳)، حقوق جزای اسلامی، ترجمه نعمت الله الفت و دیگران، ج ۱، تهران: میزان.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۹۲)، القواعد الفقهیة، ج ۴، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲ق)، تفضیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (کتاب الحدود)، قم: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم‌السلام.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۳۹۱)، کنز‌العرفان فی فقه القرآن، ترجمه و شرح: عباس زراعت، ج ۱، کاشان: اندیشه‌های حقوقی.
- فروزش، روح‌الله (۱۳۸۶)، جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران، ج ۱، تهران: خرسندی.
- فیض، علیرضا (۱۳۸۵)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ج ۷، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قربان حسینی، علی‌اصغر (۱۳۸۱)، جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت، ج ۲، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- قیاسی، جلال‌الدین و دیگران (۱۳۸۹)، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی اسلام و حقوق موضوعه، ج ۲، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قبله‌ای خوبی، خلیل (۱۳۹۱)، آیات الاحکام حقوق مدنی و جزایی، ج ۹، تهران: سمت.
- کریمی جهرمی، علی (۱۳۷۵)، الدر المنضود فی احکام الحدود (تقریرات درس خارج آیت الله سید محمدرضا گلپایگانی)، ج ۱، قم: دارالفکر القرآن الکریم.
- گرجی، ابوالقاسم و دیگران (۱۳۹۴)، حدود، تعزیرات و قصاص، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران.

- مجازی، رحمان (۱۳۸۸)، *جرم و مجازات از دیدگاه حقوق و قرآن*، ج ۱، کرمان: دانشگاه آزاد جیرفت.
- محصمانی، صبحی (۱۳۴۶)، *فلسفه قانونگذاری در اسلام*، ترجمه اسماعیل گلستانی، تبریز: کتابفروشی یزدانی.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۴)، *قواعد فقه (بخش جزایی)*، ج ۳۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرعشی شوشتری، سید محمدحسن (۱۳۷۶)، *دیدگاه‌های نو در حقوق*، ج ۲، تهران: میزان.
- مسعود، محمد خالد (۱۳۸۲)، *فلسفه حقوق اسلامی*، ترجمه: محمدرضا ظفری و فخرالدین اصغری آق‌مشهدی، ج ۱، قم: بوستان کتاب.
- مسجدسرای، حمید (۱۳۹۳)، *ترمینولوژی فقه*، ج ۲، تهران: روایت نو.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۹۴)، *علوم قرآنی*، ج ۱۶، قم: انتشارات تمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)، *القواعد الفقهیه*، ج ۲، قم: مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ملک‌زاده فهیمه (۱۳۹۵)، *دانشنامه حقوقی*، ج ۱، تهران: مجد.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۷)، *مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر*، ج ۱، قم: انتشارات ارغوان دانش.
- موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۲)، *فقه تطبیقی (بخش جزایی)*، ج ۱، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
- _____ (۱۳۷۹)، *قواعد فقهیه*، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مهدوی، اصغر آقا (۱۳۸۹)، *مبانی نقش زمان و مکان در استنباط احکام از دیدگاه امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)*، ج ۱، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۸)، *پیشگیری وضعی از بزهکار با نگاهی به سیاست جنایی اسلام*، ج ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۴)، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، ج ۳۰، تهران: میزان.
- _____ (۱۳۹۴)، *جرایم علیه اموال و مالکیت*، ج ۴۵، تهران: میزان.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۳۷۹)، *القواعد الفقهیه*، ج ۴، قم: اسلامی.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۵۹)، *کتاب الحدود*، قم: دارالفکر.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۷۸)، *فقه الحدود و التعزیرات*، ج ۲، قم: جامعه المفید.
- وحیدی، محمد (۱۳۸۹)، *فلسفه و اسرار احکام*، ج ۱، قم: انتشارات سنابل.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۸)، *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، ج ۱، تهران: انتشارات جنگل.
- یزدی، مصباح (۱۳۷۸)، *سلسله مباحث اسلام، سیاست و حکومت*، ج ۱، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۵۳)، *علل جرائم و راه مبارزه با آنها*، قم: پیام اسلام.

- Mas'ud, M, Kh(1973), Shatib's philosophy of Islamic Law, University of McGill.
- AL-Mutairi, M, Z(1997), Necessity In Islamic Law, University of Edinburgh.
- Peters, R(2005), Crime and Punishment In Islamic Law, Cambridge University Press, University of Amsterdam.

